

مانیفت جهش

دعوت به کانادایی بر پایه مراقبت از زمین و همدیگر

کارمان را با این فرض شروع کردیم که کانادا رودرروی بزرگ‌ترین بحران حافظه معاصر خود قرار گرفته است.

کمیسیون حقیقت و اصلاح، در گزارش خود جزییات تکان‌دهنده‌ای از خشونت در گذشته اخیر کانادا را مطرح کرده. اکنون فقر و نابرابری گسترده هم زخمی بر چهره سرزمین ما است. در عین حال، پیشینه معاصر کانادا در موضوع تغییرات اقلیمی نیز تبدیل به جنایتی علیه آینده بشریت شده است.

جدایی فزاینده ما از ارزش‌های ملی‌مان - ارزش‌هایی مانند احترام به حقوق بومیان، توجه به مصالح بین‌المللی، حقوق بشر، تنوع فرهنگی و رهبری در موضوع‌های زیست‌محیطی - باعث شده تا حقایق ذکر شده، بیشتر از همیشه طنین‌انداز شوند.

کانادا امروزه در جایگاه پیشین خود نیست - ولی می‌تواند به آن جایگاه خود بازگردد.

ما می‌توانیم در کشوری زندگی کنیم که به تمامی از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده می‌کند، نقاط مختلف آن توسط حمل و نقل عمومی همگانی به هم ارتباط یافته‌اند و همراه رسیدن به چنین جایگاهی، ما می‌توانیم فرصت‌ها و شغل‌های این تغییر را گونه‌ای طراحی کنیم که به شکلی نظام‌مند، نابرابری‌های نژادی و جنسیتی را از چهره کشور پاک کنند. مراقبت از همدیگر و مراقبت از سیاره خاکی‌مان، می‌تواند رو به رشدترین صنعت اقتصادی کشور باشد. افراد بسیار بیشتری می‌توانند در این میان به مشاغل با درآمد بالاتر با ساعت‌های کار کمتری برسند و ما می‌توانیم زمان کافی برای لذت بردن در زندگی کنار محبوب‌هایمان داشته باشیم و به شکوفایی جوامع‌مان کمک کنیم.

می‌دانیم زمان رسیدن به این تغییر برجسته کوتاه است. دانشمندان اقلیم‌شناس به ما گفته‌اند این دهه، زمان تصمیم‌گیری و عملی کردن برنامه‌هایی برای منع گرمایش فاجعه‌بار زمین است. این یعنی گام‌هایی کوچک به ما کمک نمی‌کنند به آنچه باید برسیم.

باید به جهش فکر کنیم.

این جهش بایستی با احترام به حقوق و مقام ذاتی مراقب‌های اصیل این سرزمین شروع بشود. جوامع بومی در خط مقدم حفظ رودخانه‌ها، ساحل‌ها، جنگل‌ها و زمین‌های ما، در مقابل فعالیت‌های زیاده‌خواهانه خارج از کنترل صنایع قرار گرفته‌اند. ما می‌توانیم این نقش آنها را تقویت کنیم و رابطه خودمان با این جوامع را از نو بسازیم، این کار با اجرای کامل [اعلامیه حقوق افراد بومی سازمان ملل متحد](#) شروع می‌شود.

تحت‌تاثیر پیمان‌هایی که پایه قانونی شکل‌گیری کشور شده‌اند و ما را در کنار هم قرار می‌دهند تا بتوانیم «تا آن زمان که خورشید می‌درخشد، علف‌ها رشد می‌کنند و رودخانه‌ها جاری

هستند،» در کنار همدیگر زندگی کنیم. برای همین هم ما خواستار منابع انرژی‌ای هستیم که تا ابد دوام داشته باشند و هرگز به پایان نرسند یا باعث مسموم شدن این سرزمین نشوند. پیشرفت‌های علمی، دسترسی به این رویا را برایمان ممکن ساخته‌اند. تازه‌ترین تحقیق‌ها نشان می‌دهند که در طی دو دهه آینده برای کانادا تهیه ۱۰۰ درصد انرژی برق از طریق منابع تجدیدپذیر امکان‌پذیر شده است^۱؛ به این شکل تا سال ۲۰۵۰ ما می‌توانیم اقتصادی صددرصد تمیز داشته باشیم^۲.

ما خواستار این هستیم تا این تغییر همین الان شروع بشود.

دیگر هیچ بهانه‌ای وجود ندارد تا پروژه‌های تازه برای بنیان گذاشتن زیر ساخت‌هایی شروع بشود که ما را در دهه‌های آینده به افزایش استخراج منابع طبیعی ملزم می‌سازند. قانون تازه و خدشه‌ناپذیر برای پروژه‌های گسترش تولید انرژی باید چنین باشد: اگر چیزی را در حیاط پشتی خانه خودتان نمی‌خواهید، نباید آن را هم در حیاط پشتی خانه دیگران پیدا کنید (یا به قول فارسی‌زبان‌ها، آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسند - مترجم). این بدان معناست که از خطوط لوله انتقال نفت و گاز گرفته تا فرکینگ در نیو برانزویک، کویک و بریتیش کلمبیا تا افزایش حمل و نقل تانکری به سواحل کشورمان و تا پروژه‌های کانادایی معدن، بایستی همه و در هر جای این سرزمین کنار گذاشته شوند.

زمان برای «دموکراسی انرژی» فرا رسیده است؛ ما بر این باوریم که نه تنها منابع تولید انرژی خودمان باید تغییر کند، بلکه هر کجا که ممکن باشد، جوامع محلی بایستی به شکل جمعی، کنترل این نظام‌های تازه تولید انرژی را در اختیار خود داشته باشند.

گزینه‌ای دیگر در مقابل شرکت‌های خصوصی و دیوان‌سالاری با کنترل از راه دور برخی شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت، فقط برای رسیدن به سود بیشتر تلاش می‌کنند، می‌تواند خلق ساختارهای بدیع مالکیت برای تولید انرژی‌های نوین باشد: این انرژی‌های نوین بایستی به شکلی دموکراتیک اداره بشود، حقوقی کافی برای زندگی به افراد پرداخت شود و سود حاصل هم در داخل جوامع محلی خرج بشود. در این میان، مردمان بومی کانادا بایستی اولین افرادی باشند که حمایت عمومی برای پروژه‌های تولید انرژی پاک خودشان را دریافت می‌کنند. باید هم چنین باشد، چون این جوامع در حال حاضر هم با تبعات جدی فعالیت‌های صنعتی آلاینده بر سلامت‌شان دست و پنجه نرم می‌کنند.

انرژی‌ای که این چنین تولید بشود، تنها روشنایی خانه‌هایمان نخواهد بود، بلکه ثروت را مجدد توزیع خواهد کرد، دموکراسی ما را غنی‌تر خواهد کرد، اقتصادمان را قدرتمندتر می‌سازد و زخم‌هایی که در هنگام شکل‌گیری این سرزمین ایجاد شده را شفا خواهد داد.

جهش به اقتصادی بدون آلاینده‌گی، فرصت‌های بی‌شمار برای «پیروزی‌های» متعدد مشابه آن باز می‌کند. ما خواستار برنامه‌ای جامع برای ساخت خانه‌های کارآمد در مصرف انرژی و مقاوم‌سازی خانه‌های کنونی هستیم تا این تضمین حاصل گردد که جوامع و محله‌های با پایین‌ترین درآمدها، ابتدا از این موضوع سود می‌برند و این امر شامل آموزش کارکنان و خلق فرصت‌هایی است که

¹ http://biology.mcgill.ca/unesco/EN_Fullreport.pdf

² <http://web.stanford.edu/group/efmh/jacobson/Articles/I/JDEnPolicyPt1.pdf>

فقر را در درازمدت کاهش می‌دهد. ما خواستار آموزش و مهیا شدن منابع دیگر برای کارکنان مشاغلی هستیم که وابسته به مصرف بالای کربن هستند، می‌خواهیم این تضمین داده شود که آنها قادر خواهند بود تا به بخشی از اقتصاد وابسته به انرژی پاک ملحق شوند. چنین گذاری باید مشارکت دموکراتیک خود کارگران را دربرگیرد. باید بجای ساختن ماشین‌های بیشتر، خطوط انتقال نفت و گاز بیشتر و قطارهای حاوی مواد شیمیایی خطرناک که امکان انفجار دارند و زندگی ما را به خطر می‌اندازند و باعث تفرقه ما می‌شوند، خطوط ریلی با سرعت بالا که از انرژی تجدیدپذیر استفاده می‌کنند و برای عموم مردم مقرون به صرفه هستند تولید شوند تا تمامی جوامع سرزمین ما را به همدیگر متصل سازند.

و با توجه به اینکه جهش موردنظرمان خیلی دیر شروع می‌شود، باید تا می‌شود در زیرساخت‌های فرسوده‌مان سرمایه‌گذاری کنیم تا این زیرساخت‌ها بتوانند رویدادهای آب و هوایی شدید و با فاصله نزدیک بهم را که مرتب هم بر تعدادشان افزوده می‌شود، تحمل کنند.

همچنین برای کاهش تکیه بر سوخت‌های فسیلی، می‌توانیم به نظام کشاورزی بومی‌تر و بر پایه توجه به محیط‌زیست رجعت کنیم، و هم‌زمان می‌توانیم کربن را در خاک ذخیره کنیم و شوک‌های ناگهانی به ذخیره جهانی غذا را کنترل کنیم - جدا از اینکه می‌توانیم غذایی سالم‌تر و به صرفه‌تر برای همگان تولید کنیم.

ما خواستار پایان بخشیدن به تمامی قرارهای تجاری مابین کشورها هستیم که مزاحم تلاش‌های ما در بازسازی اقتصاد بومی‌مان هستند، همچنین خواستار وضع مقررات بر شرکت‌های بزرگ و توقف پروژه‌هایی هستیم که به شکلی آلاینده به استخراج منابع طبیعی دست می‌زنند. ما با خلق توازنی مجدد در نظام قضایی کشور، باید وضعیت مهاجرتی و حمایت کامل از کارگران را تضمین کنیم. ما باید همکاری کانادا در درگیری‌های نظامی و تغییرات اقلیمی را بفهمیم - و اولین توجه‌ها را به بحران پناهجویی جهانی قرار بدهیم - و بایستی به تمامی پناهنده‌ها و مهاجرهایی خوش‌آمد بگوییم که بدنبال امنیت و زندگی بهتر به کانادا می‌آیند.

برای تغییر به اقتصادی در توازن با محدودیت‌های زمین، ما بایستی بخش‌های اقتصاد خودمان را گسترش بدهیم که هم‌اکنون وابستگی اندکی به کربن دارند؛ مراقبت از کودکان و سالمندان، تدریس، فعالیت در زمینه‌های اجتماعی، هنری و رسانه‌ای که منقطع به علایق عمومی هستند. می‌توانیم دنباله‌رو کُیک، برنامه ملی مراقبت از کودکان خلق کنیم که مدت‌هاست به آن احتیاج داریم. تمامی این کارها - که بیشترشان توسط زنان انجام می‌شوند - ملاتی است که جوامعی انسان‌مدار و انعطاف‌پذیر می‌سازد - و ما نیازمند جوامعی چنان قدرتمند هستیم تا رودرروی آینده‌ای پر تلاطم بیاستیم که هم‌اکنون محکوم بدان شده‌ایم.

از آنجا که بخش قابل‌توجه‌ای از مراقبت‌ها - چه در میان مردمان و چه برای سیاره خاکی - هم‌اکنون بدون دریافت هیچ درآمدی انجام می‌شوند، ما خواستار بحثی جدی برای معرفی حداقل درآمد سالانه به شکلی جهان‌شمول هستیم تا پایه‌های زندگی مردمان را تضمین کند. این پیشنهاد اولین مرتبه در ۱۹۷۰ میلادی در مانیٹوبا مطرح شده است و شبکه قدرتمند و امن برای رسیدن به این تضمین را پیشنهاد می‌دهد که هیچ کس نباید صرفن بدلیل تامین غذای امروز کودکانش مجبور به انجام کاری بشود که آینده فرزندانش را تهدید می‌کند.

ما اعلام می‌کنیم که «ریاضت اقتصادی» - که به شکلی نظامند بخش‌های با مصرف پایین کربن در جامعه مانند آموزش و پرورش، همچنین بهداشت و سلامت را تهدید می‌کند و هم‌زمان سیستم حمل و نقل عمومی را ناکارآمد و عقب افتاده نشان می‌دهد و در مقابل برنامه‌های لجام‌گسیخته خصوصی‌سازی بخش انرژی را تشویق می‌کند - مدل فسیل شده‌ای از تفکر است و تبدیل به خطری بر زندگی ما شده است.

چطور می‌خواهیم هزینه تمامی این‌ها را پرداخت کنیم؟

(مطلب «[چطور می‌توانیم از پس هزینه‌های جهش بریابیم](#)» نوشته بروس کمپل، ست کلیت و مارک لی را بخوانید.)

پولی که برای این تغییر برجسته احتیاج داریم، هم‌اکنون پیش ماست - ما فقط نیازمند سیاست‌گذاری‌های صحیح هستیم تا این پول را در دسترس خودمان قرار دهیم. به عنوان مثال، می‌توانیم به سوبسیدها به سوخت‌های فسیلی پایان بخشیم. یا بر معامله‌های تجاری مالیات وضع کنیم. حق مجوز منابع طبیعی را افزایش دهیم. از هزینه‌های نظامی کم کنیم. تمامی این‌ها بر پایه اصل ساده «آلاینده خرجش را بدهد» وضع شده‌اند و وعده رسیدن به پول زیادی را هم به ما می‌دهند.

یک موضوع در این میانه روشن است: در روزگار ثروت‌اندوزی بی‌سابقه بخش خصوصی، کمبودهای بخش عمومی بحرانهای از پیش تولید شده‌اند و در این میان رویاهای ما پیش از آنکه فرصت تولد بیابند، خاموش می‌شوند.

این رویاها و رای این سند پیش خواهند رفت. ما در سرتاسر کشور خواستار جلسه‌هایی در شهرداری‌ها هستیم تا شهروندان بتوانند دور هم جمع شوند و به شیوه‌ای دموکراتیک آنچه جهش اصیل و واقعی برای رسیدن به اقتصادی دیگر در جامعه‌شان نامیده می‌شود، تعریف کنند.

به ناچار در چنین فرایند تغییر از پایین به بالا، نوسازی دموکراسی در تمامی سطوح دولت‌ها (محلی، استانی و فدرال - مترجم) محقق می‌شود و در این نوسازی، به نظامی خواهیم رسید که در آن تک به تک رای‌ها سنجیده شوند و پول شرکت‌ها از کمپین‌های سیاسی ما جدا بشوند.

تمامی موارد مطرح شده در این سند را به راحتی نمی‌توان هضم کرد، ولی ما در زمانه‌ای متفاوت و با کمبود شدید وقت زندگی می‌کنیم.

کاهش قیمت نفت به شکلی موقت به ما نشان داد که چه فشارهایی برای بیرون کشیدن سوخت‌های فسیلی با حداکثر سرعت و با استفاده از فن‌آوری‌های پر خطر انجام می‌شوند. مکت موجود بر گسترش جنون‌آمیز استخراج سوخت‌های فسیلی را باید نه یک بحران، بلکه یک موهبت در نظر بگیریم.

این مکت به ما لحظه‌ای کمیاب داده تا ببینیم در حال تبدیل شدن به چه چیزی هستیم - و تصمیم به تغییر این روند بگیریم.

برای همین ما از تمامی کاندیدهای مناسب سیاسی می‌خواهیم تا از این فرصت سود ببرند و به نیاز گسترده ما برای تغییر، امکان اجرا بدهند. این وظیفه مقدس ما در این سرزمین است تا در

مقابل آنانی که در گذشته آسیبی دیده‌اند، به آنانی که بدون هیچ دلیلی هم‌اکنون رنج می‌کشند، و به تمام آنهایی که حق دارند آینده‌ای امن و درخشان داشته باشند.

حالا وقت این رسیده که بی‌پروا باشیم.

حالا وقت جهش است.